



موضوع :

نفس و قوای انسان و نسبت آن با جنسیت

استاد :

خانم سمیه شریفی

دانشجو :

سارا رضایی

مقدمه :

در فلسفه و کلام اسلامی جایگاه اخلاق، نفس انسان است، برخی از اندیشمندان این حوزه مانند ملامهدی نراقی^۱، موضوع علم اخلاق را نفس آدمی دانسته‌اند؛ از آن جهت که خاستگاه فضایل و رذایل اخلاقی را نفس انسان بیان کرده‌اند و این نفس انسان است که آراسته به این فضایل خواهد شد. در صورتی که نفس انسان را از جهت جنسیتی جهت‌مند ندانیم، اختلافاتی که در دین برای زنان و مردان بیان شده است، صرفاً برساخته خواهد شد و نتیجه آن سیالیت این ویژگی‌هاست. البته قطعاً برخی از تفاوت‌ها متناسب با شرایط اجتماعی یا خانوادگی و ... بوده است اما عدم جنسیت‌مندی نفس تمام این اختلافات را برساخته خواهد کرد و صحبت کردن از اخلاق جنسیتی سخت خواهد شد.

در میان فمینیست‌ها نیز دو دیدگاه کلی درباره نسبت جنسیت و اخلاق مطرح شده است؛ برخی مانند لیبرال‌فمینیست‌ها به کلی منکر تأثیر جنسیت بر اخلاق شده‌اند و برخی دیگر از فمینیست‌ها خصوصیات اخلاقی را در مواردی جنسیتی می‌دانند.

خواجه نصیرالدین طوسی نسبت بسیار عمیقی بین تربیت اخلاقی و علم النفس قائل است تا جایی که علم النفس را مقدمه واجب تربیت اخلاقی می‌داند. در اندیشه او تربیت اخلاقی آراستن نفس به فضایل و زدودن رذایل از نفس است. از طرفی در این اندیشه، تربیت اخلاقی حاصل تعامل دوطرفه و دوسویه نفس و بدن است که مؤید نسبت نفس‌شناسی و تربیت اخلاقی از منظر اوست.

^۱ محمد مهدی بن ابی‌ذر فاضل نراقی معروف به محقق نراقی از علمای شیعه در قرن ۱۲ و ۱۳ هجری است. محقق نراقی برای تحصیلات علوم دینی دو بار رهسپار عتبات عالیات شد و در مجلس درس وحید بهبهانی و یوسف بحرانی حضور یافت. جامع السعادات مشهورترین اثر ملا مهدی در علم اخلاق است. او فرزندی داشت که ملا احمد و ملا مهدی در میان برادران خویش شناخته‌ترند.

جنسیت‌مندی یا عدم جنسیت‌مندی نفس بر مباحثی که خواجه در باب تربیت اخلاقی مطرح کرده است، بسیار مؤثر خواهد بود. برای بررسی جنسیت‌مندی یا عدم جنسیت‌مندی تربیت اخلاقی گریزی از پرداختن به مباحث جنسیت و نفس نداریم.

از جمله امور دیگری که با عینک جنسیت و نفس قابلیت مذاقه بیشتری دارد، معرفت‌شناسی است. در فضای فلسفه و کلام اسلامی مدرک حقیقی در انسان نفس اوست و بدن ابزار و وسیله‌ای است که در دست نفس قرار گرفته است. طبق مبانی حکمت متعالیه نفس و بدن یک حقیقت هستند. طبق این اصول این سؤال به ذهن خطور می‌کند که آیا ادراک زنان و مردان می‌تواند در مواردی متفاوت باشد؟ با قائل شدن به جنسیت‌مندی نفس این پرسش، پرسش مهمی خواهد شد که ارزش بررسی خواهد داشت. البته این سؤال نباید با دیدگاه برخی از فمینیست^۲ها که اساساً علم را جنسیتی دانسته‌اند برابر پنداشته شود اما بررسی جنسیت و معرفت به صورت موجه جزئی و نه موجه کلیه از جمله مواردی است که می‌تواند براساس مبانی اسلامی بررسی شود.

بررسی احکام شرعی متفاوت زنانه و مردانه یا برخی از احکام اخلاقی یا موارد جنسیتی در دین اسلام نیز اگر با دقت تأثیر جنسیت بر نفس و حقیقت انسان مورد مذاقه و بررسی قرار گیرد، می‌تواند نتایج متفاوت و عمیق‌تری به همراه داشته باشد. در برخی از روایات جایگاه احکام متفاوت زنان و مردان نفس و روح آن‌ها معرفی شده است که تحلیل این روایات نتایج بسیار جالبی به همراه خواهد داشت. در پایان لازم به یادآوری است که صحبت کردن از جنسیت و نفس به هیچ عنوان به معنی دو نفس کاملاً متفاوت زنانه و مردانه نخواهد بود. زنان و مردان در عین اشتراکات بسیار زیاد که به بعد انسانی آن‌ها فارغ

^۲ فمینیسم یک جنبش اجتماعی و سیاسی است که مدافع حقوق زنان بر اساس برابری جنسیت است. تفاوت‌های بیولوژیکی بین دو جنس را انکار نمی‌کند، بلکه خواهان برابری در فرصت‌هاست. همه چیز از عرصه‌های اجتماعی و سیاسی گرفته تا اقتصادی را پوشش می‌دهد. در واقع، کمپین‌های فمینیستی بخش مهمی از تاریخ در توانمندسازی زنان بوده است. مبارزات فمینیستی قرن بیستم حق رای، اموال عمومی، کار و تحصیل را ممکن ساخت.

از جنسیت اشاره دارد؛ در مواردی نیز از جهت جنسیتی تفاوت‌ها و اختلافاتی خواهند داشت . اما این اختلافات بسیار عمیق و اثرگذار خواهد بود و صرفاً در بدن مادی آن‌ها خلاصه نمی‌شود. همچنین صحبت از جنسیت‌مندی اخلاق، تربیت اخلاقی و معرفت و... به معنی دو نظام کاملاً متفاوت اخلاقی و معرفتی نخواهد بود و زنان و مردان در عین اینکه تشابهات بسیار زیادی خواهند داشت اما در مواردی از نظر جنسیتی جهت‌مند عمل خواهند کرد.

چکیده

در تعریف نفس و بیان ویژگیهای آن در مباحث مربوط به نفس شناسی فلسفه صدرایی بحثی ویژه درباره جنسیت بیان نشده و این امر موجب شده است محققانی که در این زمینه پژوهش کرده اند، نفس را بدون جنسیت توصیف کنند؛ اما در این مقاله سعی شده است با توجه به مبانی حکمت صدرایی از قبیل وحدت نفس و بدن در مراحل متناظر وجودی خود و... جنسیت داشتن برای نفس تبیین شود. البته این ویژگی مختص نفس است و به سایر مجردات قابل اطلاق نیست؛ چراکه نفسانیت نفس به همراهی آن با بدن در تمام ساحات وجودی نفس است.

با اثبات جنسیت نفس، در واقع انسان داشتن ها به دو نوع اصلی تقسیم خواهند شد. ارزش این تقسیم در رد نظر برخی مکاتب فمینیستی که احقاق حقوق زنان را در برابری زن و مرد در تمام شئون میدانند و نیز تبیین تفاوت های میان دو جنس بسیار روشن است. در این مقاله با استفاده از روش کتابخانه ای و تحلیل مبانی حکمت صدرایی جنسیت پذیری نفس تبیین شده است.

در این پژوهش پس از بیان تفاوت جنس و جنسیت به تبیین نظریات فلاسفه در مورد چگونگی پیدایش نفس انسانی می پردازیم و در ادامه مسیله جنسیت نفس را با توجه به نظریه روحانیه الحدوث و جسمانیه الحدوث بودن نفس تحلیل می کنیم. بر اساس نظریه روحانیه الحدوث، خاستگاه جنسیت فقط در جنس، مطرح بوده و در نفس، جایگاهی ندارد؛ از این رو نفس به لحاظ ذات مجرد خود، فاقد ویژگی های جنسیتی است و فقط در مقام فعل با توجه به وضعیت های مختلف بدنی، کارکردهای جنسیتی خاص خود را دارد. اما بر اساس نظریه جسمانیه الحدوث بودن نفس و با عنایت به برخی از اصول فلسفی حکمت صدرایی می توان به این تحلیل دست یافت که نفس متشکل از بدن و ویژگی های جسمی زنانه، با نفس متشکل از بدن و ویژگی های جسمی مردانه، به لحاظ گرایش های جسمانی، روانی، عاطفی و شناختی

مجرد، یعنی عملکرد نفس در خارج طوری است که در رابطه با مادیت است. به بیان دیگر اگر روح بخواهد عملی را در خارج انجام بدهد، چاره‌ای جز این ندارد که از ابزار مادی از قبیل اعضا و جوارح بدن استفاده کند.

دو چهره بودن نفس

نفس و روح انسان دو چهره دارد: یک چهره آن به سمت مادیت، شهوت و غضب است، و چهره دیگرش به سمت معنویت می‌باشد. به تعبیر دیگر روح به یک معنا، مجموعه قوا و فطرت‌ها است. فلاسفه درباره آن می‌گویند: «النفس فی وحدتها کل القوا» روح در عین یکی بودن، مجموعه‌ای از نیروها است. در رابطه با مادیت لذت می‌برد، و در رابطه با معنویت نیز لذت می‌برد. بنابراین اولیای خدا که عبادت و اطاعت خدا را انجام می‌دهند، از آنها لذت می‌برند و این لذت در رابطه با شهوت نیست، بلکه این لذت روحانی بوده و چه بسا آن بزرگواران دردها و ناراحتی‌هایی را نیز برای این لذات معنوی متحمل می‌شدند. امام علی (ع) می‌فرماید: پروردگارا! تو را برای اینکه از آتش دوزخت می‌ترسم و یا برای اینکه چشمداشتی نسبت به تنعمات بهشتی تو دارم، پرستش نمی‌کنم، بلکه تو را سزاوار پرستش دیده‌ام و پرستش می‌کنم. (بحارالانوار، ج 67، ص 197)

قوای اصلی روح و عملکرد آنها

نفس و روح انسان دارای چهار قوه اصلی است که عبارتند از 1- قوه عقلیه ملکیه 2- قوه غضبیه سبعیه 3- قوه شهویه بهیمیه 4- قوه وهمیه شیطانیه. قوه عقلیه ملکیه این است که روح انسان دارای نیروی عقلانی است که فرشته‌گونه است. قوه غضبیه نیروی خشم و قوه شهویه هم نیروی شهوت است. قوه وهمیه شیطانیه همان نیروی شیطانی است که در انسان وجود دارد و نقش مخربی ایفا می‌کند.

عملکرد قوای چهارگانه

1- عملکرد قوه عقلیه: عملکرد نیروی عقلیه فرشته‌گونه سه چیز است: الف (شناخت و درک حقایق اشیاء ب) تمییز میان خیر و شر و تفکیک میان نیکی و بدی ج) حالت فرماندهی نسبت به انجام خیر و نیکی و پرهیز از شر و بدی.

2- عملکرد قوه غضبیه: خشمگین شدن نسبت به هر چیزی که احساس کند مانعی بر سر راه او است.

3- عملکرد قوه شهویه: نیروی شهوت در انسان، حرص ورزیدن به ماکولات و مشروبات و خوراکی‌ها و آشامیدنی‌ها و روابط جنسی و هرگونه لذتی است که او را بهره‌مند می‌سازد.

4- عملکرد قوه وهمیه: این نیرو در ارتباط با خدعه‌ها، نیرنگ‌ها و مکر و حيله‌ها کارایی دارد که از آن با نام نیروی شیطانی درون انسان یاد می‌کنند! کار ویژه این نیروی شیطانی همیشه این است که نیروی غضبیه و شهویه را در خدمت اهداف شیطانی خود قرار داده و آنها را تقویت می‌کند!

فواید قوای چهارگانه

1- فواید قوه غضبیه: انسان به وسیله آن دفع ضرر می‌کند و موانع را با نیروی خشم و غضب و تحریک سلسله اعصاب از بین می‌برد. اگر این نیرو در انسان نبود، هیچ‌گاه توان دفاع از خودش را نداشت و نابود می‌شد!

2- فواید قوه شهویه: انسان به وسیله نیروی شهوت منافع خودش را تامین می‌کند. در حقیقت بقای انسان به لحاظ مادی به دو عامل بستگی دارد: الف) جلب منفعت ب) تولید مثل که بقای نوع خودش را تضمین می‌کند.

3- فواید قوه وهمیه: نیروی وهمیه راه‌هایی را که به وسیله آنها انسان می‌تواند دفع ضرر یا جلب منفعت کند استنباط می‌کند. در واقع نقشه‌کشی و طراحی برای دو نیروی غضب و شهوت می‌کند تا آنها بتوانند به اهداف خود برسند!

4- فواید قوه عقلیه: از آنجا که انسان همیشه طالب بی‌نهایت است اگر این سه نیرو بدون قوه عقلیه بخواهند عمل کنند معلوم است که به کجا می‌روند! بنابراین وجود یک نیروی برتر برای کنترل آنها که عبارت است از عقل ضروری است. این قوه عاقله است که نیروی غضبیه و شهویه و وهمیه را مهار می‌کند و آنها را در مسیر و جهت تکامل و سعادت انسان قرار می‌دهد. عقل سه کارکرد اساسی در رابطه با شهوت و غضب انسان دارد: الف) کنترل مقدار مصرف نیرو ب) (کنترل مکانی و موقعیت نیرو ج) کیفیت و چگونگی مصرف نیرو.

جنسیت و روح از منظر فلسفه اسلامی

کتابنامه: ص. ۹۳-۹۶؛ همچنین بصورت زیرنویس // این پژوهش نتیجه بررسی‌های اولیه در زمینه جنسیت و روح از منظر حکمت متعالیه می‌باشد و مشتمل بر چهار فصل است. منظور از جنسیت در اینجا توانمندی‌ها و رفتارها، بینش‌ها و گرایش‌های متفاوت زنان و مردان است که تجربه و علم آنها را اثبات کرده است. و منظور از روح، همان نفس ناطقه انسانی است که انسان را از سایر حیوانات متمایز می‌کند. در این پژوهش ارتباط دو مقوله جنسیت و روح مورد بررسی قرار می‌گیرد یعنی اینکه آیا زن و مرد علاوه بر جسم در روح نیز تفاوت دارند؟ برای پاسخ به این پرسش به صورت اثباتی دو راه حل وجود دارد ۱۰ - بر اساس مبانی حکمت متعالیه، نفس انسانی فاعل و علت همه افعال است و حتی افعال نباتی را هم نفس انسانی انجام می‌دهد. از سوی دیگر، بنابر اصل سنخیت میان علت و معلول، از علت معین فقط معلول

معین صادر می شود و علول معین فقط از علت معین صحت صدور دارد و اگر ما در رفتارها و گرایش ها و بینش های زنان و مردان تفاوت می بینیم، می توانیم منشاء این تفاوت ها را نفس آنها بدانیم، چرا که نفس انسانی فاعل همه این افعال است و نتیجه بگیریم که زن و مرد از جهت روح و نفس با یکدیگر متفاوتند ۲۰- با توجه به مساله رابطه جوهر و عرض که رابطه عینیت خارجی است و اینکه اختلاف اعراض نشانه اختلاف جواهر است و با توجه به مساله حرکت جوهری و شمول آن نسبت به نفس انسان و اینکه انسان نفس واحد نیست بلکه جنسی است که تحت آن انواع قرار دارند، می توان گفت زن و مرد دو نوع از انسان هستند؛ یعنی انسان جنس است و مذکر و مونث، نه به معنای مادی و بدنی، بلکه به معنای همان خصوصیتی که هر کدام دارند، دو نوع هستند و در نتیجه از جهت روح با یکدیگر متفاوتند .

نتیجه :

این پژوهش نتیجه بررسی های اولیه در زمینه جنسیت و روح از منظر حکمت متعالیه می باشد و مشتمل بر چهار فصل است. منظور از جنسیت در اینجا توانمندی ها و رفتارها، بینش ها و گرایش های متفاوت زنان و مردان است که تجربه و علم آنها را اثبات کرده است. و منظور از روح، همان نفس ناطقه انسانی است که انسان را از سایر حیوانات متمایز می کند. در این پژوهش ارتباط دو مقوله جنسیت و روح مورد بررسی قرار می گیرد یعنی اینکه آیا زن و مرد علاوه بر جسم در روح نیز تفاوت دارند؟ برای پاسخ به این پرسش به صورت اثباتی دو راه حل وجود دارد ۱۰- بر اساس مبانی حکمت متعالیه، نفس انسانی فاعل و علت همه افعال است و حتی افعال نباتی را هم نفس انسانی انجام می دهد. از سوی دیگر، بنابر اصل سنخیت میان علت و معلول، از علت معین فقط معلول معین صادر می شود و علول معین فقط از علت معین صحت صدور دارد و اگر ما در رفتارها و گرایش ها و بینش های زنان و مردان تفاوت می بینیم، می توانیم منشاء این تفاوت ها را نفس آنها بدانیم، چرا که نفس انسانی فاعل همه این افعال است و نتیجه بگیریم که زن و مرد از جهت روح و نفس با یکدیگر متفاوتند ۲۰- با توجه به مساله رابطه جوهر و عرض که رابطه عینیت خارجی است و اینکه اختلاف اعراض نشانه اختلاف جواهر است و با توجه به مساله حرکت جوهری و شمول آن نسبت به نفس انسان و اینکه انسان نفس واحد نیست بلکه جنسی است که تحت آن انواع قرار دارند، می توان گفت زن و مرد دو نوع از انسان هستند؛ یعنی انسان جنس است و مذکر و مونث، نه به معنای مادی و بدنی، بلکه به معنای همان خصوصیتی که هر کدام دارند، دو نوع هستند و در نتیجه از جهت روح با یکدیگر متفاوتند.